

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۵۱ ، پانزدهم فروردین ماه ۱۳۹۷

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

رفیق فتحعلی پناهیان



چریک فدائی خلق رفیق فتحعلی پناهیان در ۲۸ مهر ماه سال ۱۳۲۹ در شهر تبریز در خانواده ای زحمتکش چشم به جهان گشود. به دلیل شرایط خانوادگی از همان اوایل جوانی به عنوان کارگر ساختمانی مشغول به کار شد. محیط کار به او امکان داد تا هر چه عینی تر درد و رنج محرومان و ستمدیدگان و شکاف عظیم شرایط زندگی و کار آنها با متمولین و سرمایه داران را بشناسد و آگاهی هایش از شرایط زندگی و کار کارگران که قبلاً در مورد آنها مطالعه کرده بود را هر چه عینی تر نماید. رفیق فتحعلی به دلیل اینکه در تبریز در همسایگی دکتر غلامحسین ساعدی ، این پزشک مردمی و نویسنده خلاق زندگی می کرد و از همان کودکی مورد توجه وی قرار داشت از دانش و آگاهی وی تاثیر گرفته و سود برده بود. دکتر ساعدی در سال ۱۹۸۴ در مصاحبه دانشگاه هاروارد با وی در رابطه با رفیق پناهیان گفته است که: "من راجع به یک بچه‌ی جوانی می‌توانم حرف بزنم به نام پناهیان؛ برادرزاده همان ژنرال پناهیان معروف بود. این همسایه ما بود، این بچه‌ی کوچولو بود. من جوجه یک روزه برایش می‌خریدم که با آن بازی بکند." و در ادامه می گوید: "همان سن و سال هشت سالگیش ، نه سالگیش، من او را خیلی دوست داشتم. او را می‌آوردم و به صمد می‌گفتم، چون صمد می‌آید خانه ما، روی سکو ، بعد صمد شبها می‌نشست و برای او قصه می‌بافت، قصه می‌گفت".

بنابراین دوران کودکی رفیق فتحعلی در شرایطی که از آموزش های آموزگاران چون صمد بهرنگی و غلامحسین ساعدی درس می گرفت، طی شد. او صحت آموزش های آموزگاران بزرگ خود را بعداً در جریان زندگی کارگریش و در شرایطی که ظلم و ستم موجود در جامعه را با پوست و گوشت خود لمس می کرد، به عینه تجربه نمود.

در سال ۱۳۴۹ ، با شروع مبارزه مسلحانه از سوی چریکهای فدائی خلق، فضای جدیدی کل جامعه را فرا گرفت. بن بست مبارزاتی در هم شکسته شد و راه رهائی در مقابل انقلابیون قرار گرفت. این موقعیت جدید را رفیق مرضیه اسکوتی به زبان شاعرانه خود چنین تشریح کرد: "... آنها که شب را دریدند/ و بند از پای خورشید

گسستند/ تا سحر به آسمان دوید/ آنها که شلیک گلوله هاشان/ گفتارها را از خواب خویش پراند/ راه را برما گشودند/ اینک/ راه پیش پای ماست". این پیامی بود که چریکهای فدائی خلق با شلیک گلوله هایشان در سیاهکل در سطح جامعه منعکس نموده بودند؛ پیامی که از سوی نسلی از انقلابیون و کمونیستهای ایران شنیده و پذیرفته شد. رفیق پناهیان نیز همچون هم نسلان خود با ایمان به درستی این راه با همه وجود به راه پرشکوه رهائی خلقهای ایران از سلطه امپریالیسم و سازمان هدایتگر آن پیوست.

دکتر ساعدی در همان گفتگو در باره رفیق پناهیان می گوید که او: "پیوست به سازمان چریکهای فدایی خلق و از خانه فراری شد. خلاصه در بیست و خُرده‌ای سالگی توی مبارزات خیابانی کشته شد و یک آدمی بود که همیشه کپسول سیانور توی دهانش بود، خیلی روشن بود. حتی بعد از اینکه من از زندان بیرون آمدم مدت‌ها می‌آمد و یک مقدار از آن چیزهایی که راجع به امیزواسیون‌هایی که باید نوشته می‌شد یا بیوگرافی‌های کوتاه راجع به مبارزین، من توی مطب می‌نوشتم و به او می‌دادم". به این ترتیب یکی از وظایف رفیق در زمان پیوستن به سازمان ارتباط با دکتر ساعدی بود. این دکتر مردمی و انسان شریف همچنین از طریق رفیق پناهیان به سازمان به لحاظ مالی کمک می‌رساند.

در مدارکی که جمهوری اسلامی به عنوان اسناد ساواک منتشر کرده است ، در رابطه با رفیق پناهیان آمده است که او با کسی ارتباط گرفته که با ساواک همکاری می کرده است و از همین طریق هم دشمن رفیق را مورد یورش خود قرار می دهد. در این گزارش آمده است که: "مشارالیه فرد ورزیده ای است و تعقیب و مراقبت از وی به منظور شناسائی سایر عناصر مرتبط با وی بدون نتیجه بوده و امکان دارد به منبع ظنین و عملیات به نتیجه مطلوب نرسد". بر این اساس معلوم می شود که وقتی رفیق پناهیان با فرد مورد نظر تماس می گیرد و قرار می شود که ساعت ۸ صبح روز جمعه سوم بهمن ماه ۵۴ ، در یکی از کوچه های فرعی خیابان فرح آباد زاله تهران با او ملاقات کند، نامبرده محل قرار را به ساواک اطلاع می دهد. در نتیجه مطابق مندرجات کتاب چپ در ایران به روایت اسناد ساواک "دو اکیپ از مأموران ساواک به محل اعزام" می شوند. با این حال هشجاری رفیق برغم همه تدارکات دشمن برای زنده دستگیر کردن وی باعث می شود که رفیق پناهیان فوراً متوجه مشکوک بودن محل شود. او به ماموران ساواک مسلحانه حمله می کند که در جریان این درگیری یک مامور ساواک کشته و مامور دیگری مجروح می شود. متأسفانه این آخرین نبرد چریک فدائی خلق، رفیق فتحعلی پناهیان بود که طی آن خود نیز به خیل شهدای سازمانی پیوست که برای رهائی کارگران و ستمدیدگان از ظلم و ستم نظم جابرانه سرمایه داری شکل گرفته بود. سازمان چریکهای فدائی خلق بر این باور بود که آرمانهای کمونیستی اش تنها از طریق اعمال قهر انقلابی است که امکان گسترش در میان کارگران و جلب حمایت آنها و کشاندن آنها به مبارزه برای رهائی طبقاتی شان را پیدا می کند؛ سازمانی که با شعار "ما میهنمان را از زیر سلطه امپریالیسم آزاد خواهیم کرد" می جنگید تا شرایط اعمال رهبری طبقه کارگر در مبارزه برای رهائی و ساختن جامعه ای عاری از ظلم و ستم و استثمار را فراهم سازد.

یاد رفیق فتحعلی پناهیان گرامی و راهش پر رهرو باد!